

توسعه قلمرو کارآمدی فعل معصوم در استنباط: مبنا و پی‌آمد

مهدی مردانی (گلستانی)*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۸

چکیده

بر پایه اندیشه شیعه، فعل معصوم یکی از منابع استنباط آموزه‌های دینی است که به دلیل عدم شناخت ابعاد کارآمدی آن و نیز گرایش حداکثری به سنت قولی، آن‌چنان‌که باید مورد توجه قرار نگرفته است. یکی از راه‌های توسعه قلمرو بهره‌گیری از سنت فعلی در استنباط، تبیین مبانی و پیش‌فرض‌هایی است که پذیرش آنها موجب افزایش کارکرد فعل معصوم در استنباط آموزه‌های دینی می‌گردد. پژوهش حاضر تلاش دارد تا به روش تحلیلی - اکتشافی یک باور بنیادین که بر پایه قلمرو فعل معصوم استوار گردیده است را تقریر، و پی‌آمد پذیرش آن را تبیین کند. نتیجه پژوهش حکایت از آن دارد که باور به دینی بودن همه افعال معصوم از مبانی مؤثر در توسعه استنباط از فعل معصوم است که پذیرش آن موجب توسعه قلمرو کارکرد فعل معصوم در آموزه‌هایی چون: اعتقادی، اقتصادی، تربیتی و نظامی می‌گردد.

واژگان کلیدی

آموزه‌های دینی، سنت فعلی، فعل معصوم، مبانی استنباط.

طرح مسئله

عمده اختلاف نظر صاحب نظران درباره میزان کارآمدی فعل معصوم، به تفاوت مبانی ایشان برمی گردد که با پذیرش یا عدم پذیرش برخی از پیش فرض ها، قائل به کارکرد حداکثری یا حداقلی سنت فعلی در استنباط آموزه های دینی شده اند. بر این اساس، برای توسعه کارآمدی فعل معصوم در استنباط ضروری است نسبت به باورهای بنیادین آن اندیشه شود و مبانی مؤثر بر توسعه کارایی فعل معصوم تبیین گردد. یکی از مبانی مؤثر در توسعه کارکرد فعل معصوم در استنباط، باور به «دینی بودن همه افعال معصوم» است که اثبات و پذیرش آن در توسعه یا تضییق کارآمدی فعل معصوم تأثیر به سزایی دارد. چه، آنچه بیشتر در استخراج آموزه های دینی مورد استناد قرار گرفته است، افعالی است که از شأن تبلیغی و تشریحی معصوم صادر شده و محدود به آموزه های فقهی و اخلاقی بوده است.

این در حالی است که زندگانی معصومان شئون مختلفی دارد و عرصه های حیات وی گستره وسیعی را در برمی گیرد که قابلیت استنباط آموزه های دینی را دارد. از این رو، پذیرش دینی بودن همه افعال معصوم - که در برابر دینی خواندن بخشی از افعال ایشان قرار دارد - سبب می گردد تا قلمرو بهره گیری از فعل معصوم توسعه پیدا کند و میزان استنباط از فعل معصوم گسترش یابد.

در این باره، غیر از نگاه های پراکنده ای که به بیان آموزه های دینی سیره معصومان پرداخته اند، اثر مستقلی به دست نیامده است. تنها برخی از پایان نامه های دانشجویی به بعضی مسائل این پژوهش توجه نشان داده و به بررسی نقش سنت فعلی در استنباط احکام پرداخته اند؛ چنان که فاطمه اردستانی در پایان نامه «نقش فعل پیامبر (ص) در اجتهاد در مذاهب اسلامی»، و سید محمدرضی آصف آگاه در پایان نامه «شئون معصوم و نقش آن در استنباط» به گونه شناسی فعل معصوم پرداخته و تأثیر آن در استنباط احکام فقهی را کاویده اند. لکن تفاوت این پژوهش با آثار یادشده به جهت مسئله، روش و قلمرو کاملاً مشهود است؛ چه، مسئله پژوهش های پیشین "کارکرد" فعل معصوم در استنباط بوده است و مسئله اصلی این مقاله "توسعه" کارکرد فعل معصوم در استنباط است؛ روش پژوهش های یادشده عمدتاً توصیفی - تحلیلی بوده است و روش حاکم بر این مقاله نظریه شناسانه است و قلمرو تحقیق در پژوهش های سابق، آثار و آرای فریقین بوده است و این مقاله بر منابع و مدارک شیعه امامیه تمرکز دارد.

پیشینه تحقیق در اصول فقه

با توجه به آن که موضوع این مقاله اصالتاً یک بحث اصول فقهی در حوزه سنت است - که از منابع استنباط احکام فقهی محسوب می‌گردد - مباحث مفصلی را در کتب تفصیلی اصولی به خود اختصاص داده است که شایسته است وجه نوآوری و تفاوت آن با کارهای اصول فقهی تبیین شود. از این رو باید گفت که پژوهش‌های اصولی شیعه درباره فعل معصوم، ماهیتی نظری داشته و بیشتر مبانی و مسائل علمی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش‌ها به جهت میزان توجه به فعل معصوم و نقش آن در استنباط هم داستان نبوده و نتایج یکسانی نداشته‌اند. چنان‌که پژوهش‌هایی که در دوره متقدم (تا قرن پنجم هجری) تألیف شده‌اند، تنها بر حجیت فعل معصوم پای فشرده و از آن به‌عنوان یکی از منابع استنباط یاد کرده‌اند. (سید مرتضی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۸۶-۱۲۷؛ طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، صص ۵۶۱-۵۹۹) اما پژوهش‌هایی که در دوره میانی (تا قرن دهم هجری) تألیف شده‌اند با بررسی تطبیقی فعل و قول معصوم و طرح مسائلی درباره میزان دلالت فعل معصوم، به تقلیل دامنه کارآمدی فعل معصوم در استنباط قائل شدند. (حلی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، صص ۵۲۵-۵۷۹؛ همو، ۱۳۸۰ش، صص ۱۷۳-۱۷۸؛ محقق حلی، ۱۴۲۳ق، صص ۱۶۹-۱۷۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، صص ۲۳۶-۲۴۴) با این همه، حجیت فعل معصوم و نقش منبعیت آن در استنباط آموزه‌های دینی، دیدگاه مشترک این دوره با دوره قبل بوده است. اما پژوهش‌هایی که در دوره متأخر (تا قرن پانزدهم هجری) تألیف شده‌اند عمدتاً با رویکردی حداقلی، کارکرد فعل معصوم را به چالش کشیده و با تقسیم افعال معصوم به تشریعی و غیر تشریعی در امکان توسعه استنباط از فعل معصوم تردیدی جدی وارد نمودند. (نراقی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۳۱۵؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۴۳۷) البته اینان همگی در این نگره هم داستان نبودند و برخی با توسعه قلمرو حجیت فعل معصوم، سهم بیشتری برای فعل معصوم قائل شدند. (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۳۰۵) با این همه، بررسی ادوار مختلف اصول فقه شیعه درباره فعل معصوم چنین به دست می‌دهد که وجه مشترک همه آثار یادشده، حجیت فعل معصوم به‌عنوان یکی از اجزای سنت است. در حقیقت، کارکرد فعل معصوم در استنباط به‌صورت یک پیش-انگاره مورد پذیرش اصولیان شیعه قرار داشته است؛ لکن در قلمرو و میزان گستره آن اختلاف نظر بوده و عموماً به کارکرد حداقلی آن رضا داده‌اند.

۱. دلالت گری فعل معصوم

یکی از مسائل مهم درباره افعال معصوم، اثبات دلالت و حکایت گری آن است که در واقع زیربنای اثبات کارآمدی فعل معصوم محسوب می‌گردد. در این باره، میان اندیشمندان اختلاف

نظر بوده و هر یک بر پایه ادله‌ای چند، به دیدگاهی خاص متمایل شده‌اند. در این میان، بعضی قائل به صامت بودن فعل معصوم شده و بر این باورند که فعل معصوم دلالت بر معنایی ندارد. ایشان با استناد به سخنان برخی از کلمات فقها و اصولیون چنین استدلال کرده است که افعال معصوم وجوه و ابعاد مختلفی دارد که تشخیص آنها به سادگی ممکن نیست و مانع از اصل استناد به فعل ایشان می‌گردد. (حسینیان، ۱۳۹۳ش، ص ۹۴-۱۱۶)

از سوی دیگر، برخی معتقدند که دلالت فعل معصوم به نحو غیر استقلالی بوده و نیازمند قرینه است؛ یعنی برای آن که فعل بتواند مفید معنای مشخصی باشد باید از همراهی قول یا قرینه‌ای دیگر بهره‌مند گردد. به همین خاطر، فعل را مجمل و فاقد توانایی ابراز معنا به شکل استقلالی می‌دانند. (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۶؛ مغنیه، ۱۹۷۵م، ص ۲۰) اختصاصی بودن بعضی از افعال معصوم عمده دلیلی است که باورمندان به این دیدگاه مطرح کرده‌اند. به گمان آنان، اگر معصوم عملی را انجام دهد که فاقد هرگونه قرینه قولی یا غیر قولی باشد، این تردید پدید می‌آید که آیا آن عمل به اقتضای عصمت بوده و تکلیفی اختصاصی محسوب می‌شود و یا عملی عمومی بوده و درباره دیگران نیز نافذ است؟ از این رو، نمی‌توان دلالت مستقلی را برای فعل معصوم قائل شد. (غزالی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷)

دیدگاه سوم آن است که دلالت فعل معصوم مستقل بوده و برای افاده معنا نیازمند قرینه نیست. (حلی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۴۳۲) چنان‌که احادیث مربوط به نماز و حج پیامبر(ص) و استناد فقهای شیعه بدان، دلیلی بر دلالت گری فعل معصوم است (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۱۵) همچنین احادیثی که از اقدام عملی معصوم برای آموزش وضوء، نماز و تیمم خبر می‌دهد، نشان دهنده آن است که افعال معصوم در بیان مقصود ایشان کافی و رسا بوده و به تنهایی دلالت بر اعمال یادشده می‌کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۴)

۲. اقسام افعال معصوم

۱-۲. افعال طبیعی

انتخاب پیامبر(ص) به عنوان رسول الهی موجب انتزاع شأن بشری ایشان نگردید و به تصریح آیات قرآن (فصلت: ۶ و اسراء: ۹۳) پیامبر(ص) بشری مانند دیگران بود. بشر بودن پیامبر(ص) اقتضا می‌کند که ایشان نیز مانند دیگران احتیاجات بدنی و نفسانی داشته باشد. برآوردن این دست از نیازها امری است که سرشت بشری (جبلّی) پیامبر(ص) اقتضا می‌کرده است و مقام نبوت - که مقتضای آن افعال دینی است - در آن نقشی نداشته است. (الاشقر، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۱۹)

از این رو مقصود از افعال طبیعی (جبلی)، افعالی است که از طبیعت و خلقت بشری معصوم نشأت گرفته باشد و بین او و دیگر هم نوعانش مشترک باشد. این دست از افعال خود بر دو قسم است: افعال طبیعی اضطراری و افعال طبیعی اختیاری؛ مقصود از افعال طبیعی اضطراری (غیر اختیاری) افعالی است که بدون مدخلیت اراده و اختیار واقع شده و واکنش طبیعی بدن انسان نسبت به حوادث بیرونی به حساب می‌آید؛ مانند اظهار درد به هنگام جراحی، لرزیدن به هنگام سرما و یا اصل نیاز به آب و غذا و خواب که اختیاری نسبت به ایجاد یا منع آن وجود ندارد.

این دست از افعال چون بدون قصد انجام می‌گیرد حکمی دینی ندارند و متعلق امر به تأسی و یا نهی از مخالفت قرار نمی‌گیرد. اما منظور از افعال طبیعی اختیاری، افعالی است که از روی اراده و اختیار انجام می‌گیرد و انجام آنها برای انسان ضروری محسوب می‌گردد، زیرا ترک آن موجب ضرر و یا حتی مرگ می‌شود مانند خوردن و خوابیدن و نکاح و قضای حاجت و... باور مشهور درباره این قسم از افعال آن است که چون این افعال به اقتضای بشر بودن صادر می‌شود دینی نیست و دلالت بر حکمی جز اباحه ندارد. (میرزای قمی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۷۹)

در صورتی که آنچه بین معصوم و دیگر هم نوعانش مشترک است تنها اصل انجام این افعال است، اما شیوه و کیفیت انجام آنها مخصوص بوده و با دیگران تفاوت دارد. مثلاً غذا خوردن یک نیاز بشری معصوم است؛ اما انتخاب یک نوع غذای خاص (مانند خرما و کدو) و یا روش غذا خوردن (مثلاً با دست راست و از پیش روی خود لقمه برداشتن) و یا زمان خوردن غذا (مانند خوردن شام بعد نماز عشا) خصوصیتی است که آن را از اقتضائات بشری صرف، خارج کرده و بدان اعتبار می‌بخشد.

علاوه بر آن که پذیرش نقش الگو مدارانه معصوم اقتضا دارد که انتخاب و روش او نیز بهترین انتخاب و روش به شمار آید و فعل ایشان ملاک عمل و تأسی دیگران قرار گیرد. بنابراین، از میان اقسام افعال طبیعی، تنها افعال اضطراری و اصل افعال اختیاری (بدون انضمام خصوصیات آن) غیردینی بوده و ثوابی بر انجام و عقابی بر ترک آن مترتب نمی‌گردد، اما افعال طبیعی اختیاری که همراه با خصوصیات و ویژگی‌های متأثر از فاعل معصوم باشد، دینی بوده و جزو سنت فعلی به حساب می‌آید.

۲-۲. افعال دنیوی

مراد از افعال دنیوی، افعالی است که به منظور دفع ضرر یا جلب منفعت و یا به عنوان تدابیر حیات و زندگی فردی و اجتماعی مانند افعال طبی، زراعی، صناعی و تدابیر جنگی از معصوم صادر شده است. (سبحانی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۵؛ الاشقر، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۹ و ۲۴۰) درباره حکم این قسم از افعال دو نظریه وجود دارد: اول آن که این گونه افعال معصوم دینی نبوده و قابلیت استناد در فقه را ندارد. چراکه معصوم به کمک دانش و تجربه خود این افعال را به گونه خاصی انجام داده است مانند آن که برای مداوای مریضی خود اقدام به حجامت کرده است (الاشقر، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۹) یا آن که افعالی را در ارتباط با معاملات انجام داده که در قرآن نیامده است. (شحد، ۱۴۲۷ق)

این دیدگاه در اصل مبتنی بر احتمال خطای پیامبر(ص) در این گونه امور است که بسیاری از اهل سنت به آن قائل بوده و این دست از افعال را خارج از حیطه شرع دانسته‌اند. (قاضی عیاض، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۸؛ خلاف، بی تا، ص ۴۲) نظریه دوم آن است که این گونه افعال دینی بوده و می‌تواند مستند حکم فقهی قرار گیرد. اذعان به وحیانی بودن برخی افعال دنیوی پیامبر(ص) همچون افعال طبی (ابن قیم، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۵؛ محمدی ری شهری، ۱۴۲۵ق، ص ۳۴ و ۳۵) و نیز استناد برخی محدثان به این گونه از افعال پیامبر(ص) در ابواب مختلف و حکم به استحباب آن، نشان دهنده باور آنان به این نظریه است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۱۱۲-۱۱۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۲۴)

از این رو، به نظر می‌رسد که با توجه به مبنای غیر مقبول اهل سنت در غیردینی خواندن این دست از افعال پیامبر(ص) (نفی عصمت پیامبر(ص) از خطا در امور دنیوی) و نیز باور به نقش الگو مدارانه معصوم در تمام شئون زندگی، افعال دنیوی معصوم نیز دینی بوده و صلاحیت استنباط حکم شرعی را دارد. چنان‌که استناد بعضی از فقهای شیعه به برخی از تدابیر نظامی پیامبر(ص) (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۳۵ و ۷۵) شاهد دیگری بر این مدعا محسوب می‌گردد.

۲-۳. افعال عادی

بیشترین استعمال این اصطلاح در کلمات اصولیین در امور غیرعبادی بوده است. (موسوی قزوینی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۴۳۴؛ الاشقر، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۷) اما طبق تعریفی که برخی از نویسندگان ارائه نموده‌اند منظور از افعال عادی، افعالی است که پیامبر(ص) مطابق عادت قوم خود و فرهنگ آنها در اموری مانند ازدواج و ولادت و وفات انجام داده است مانند پوشیدن جبه، عمامه و قبا، بلند کردن مو و سرمه کشیدن؛ همچنین نظیر زفاف عروس در خانه

شوهرش نه خانه پدرش و دفن اموات در خاک و نه در بناهای سنگی. (الاشقر، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۷)

درباره حکم این قسم از افعال نیز نظری فراتر از حکم به اباحه داده نشده است و افعال عادی معصوم از حیثه افعال دینی خارج شمرده شده است. (موسوی قزوینی، ۱۴۲۷ق، ج ۵، ص ۴۳۵؛ الاشقر، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۷) لکن با توجه به جایگاه الگو محور معصوم در میان مردم که وی را شایسته تاسی و پیروی می‌دانستند، چنین به نظر می‌رسد که زندگانی معصوم در یک فرهنگ مشخص و یا متناسب با عرف یک زمان خاص، خللی به نقش الگو مدارانه وی نمی‌رساند. زیرا چنین نبوده که مثلاً پیامبر(ص) آداب اجتماعی عرب، طرز لباس پوشیدن و آداب معاشرت آنان را تنها از آن روی که خود بشری عادی بوده است گردن نهد، چراکه به نیکی می‌دانیم بسیاری از همین آداب نظیر شراب خواری، کم‌توجهی به نظافت و تطهیر (فال بد زدن)، مورد نکوهش پیامبر(ص) قرار می‌گرفت. (نصیری، ۱۳۸۶ش، ص ۱۱۶) از این رو، باید اذعان داشت که افعال عادی پیامبر(ص) از قلمرو دین خارج نبوده و می‌تواند مستند کشف و استنباط آموزه‌های دینی قرار گیرد؛ چراکه انتخاب معصوم از آداب و رسوم زمان خود، مطابق معیارهای الهی بوده است و هر اقدام و انصرافی که انجام می‌داده، از پشتوانه‌ای دینی برخوردار بوده است.

۲-۴. افعال حکومتی

رسول خدا(ص) احکام کلی الهی را که مربوط به همه شئون زندگی انسان‌ها بود، به مردم ابلاغ می‌نمود؛ اما چون اجرای همه احکام جز از راه به دست گرفتن حکومت میسر نبود، بعد از تشکیل حکومت دستورهایی صادر نمودند که از آن به‌عنوان احکام حکومتی یاد شده است، مانند: حکم به جنگ و صلح و اجرای احکام حدود و تعزیرات و غیره که از شئون حاکم و حکومت‌داری است. از این رو، مقصود از افعال حکومتی، آن دسته از افعال جزئی و اجرایی است که از جانب پیامبر(ص) و معصومان(ع) در منصب حکومت و به‌منظور اجرای احکام کلی الهی صادر گردیده است؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۳، ص ۲۸۵-۲۸۴؛ ضیائی فر، ۱۳۹۴ش، ص ۷۹، ۱۹۳-۱۱۲)

خراب کردن مسجد ضرار، قطع درختان یهودیان بنی‌نضیر، منع ازدواج موقت برای عمار یاسر و سلیمان بن خالد، منع خوردن گوشت حیوانات اهلی برای مدتی در زمان پیامبر(ص) و مصادره اموال بعضی از کارگزاران بدون محاکمه، گرفتن زکات از اسب‌ها و منع صرافانی در

زمان امام علی (ع) از جمله نمونه‌هایی است که جزو افعال حکومتی شمرده شده است. (فلاح‌زاده، ۱۳۸۰ش، ص ۲۶۶؛ ضیائی‌فر، ۱۳۸۲ش، ص ۵۸۷)

درباره حکم این دست از افعال معصوم دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است؛ بنابر نظر برخی از اندیشمندان، احکام حکومتی مقرراتی است که در سایه قوانین شریعت و به‌حسب مصلحت زمان اتخاذ گردیده و به اجرا درمی‌آید؛ این مقررات اگرچه لازم‌الاجرا بوده و دارای اعتبار است، ولی در عین حال الهی شمرده نشده و خارج از مقررات اسلامی محسوب می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۸۶) اما برخی دیگر از محققان بر این باورند که وقتی احکام حکومتی از سوی حاکمی صادر شده باشد که از طرف خداوند منصوب و مأذون است، آن احکام شرعی بوده و همانند حکمی محسوب می‌گردد که از جانب خداوند صادر شده است. (بابایی، ۱۳۹۰ش، ش ۶۲، ص ۱۳۰-۱۵۴)

مؤید این قول، بعضی از آیاتی است که بین اطاعت خدا و رسول تفاوت گذاشته و بر شرعی بودن احکام حکومتی پیامبر دلالت می‌کند. چنان‌که بر پایه برخی تفاسیر، تکرار واژه «اطیعوا» در آیه ۵۹ سوره نساء نشان از تفاوت اطاعت خدا با اطاعت رسول دارد که در این صورت، اطاعت خدا به معنای انجام فرامینی است که از طرف خدا نازل شده و از طریق وحی به پیامبر رسیده است، و اطاعت رسول به معنای اطاعت از احکامی است که خود ایشان صادر کرده‌اند که احکام حکومتی از مصادیق بارز آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۸۸) علاوه بر آن که اصل اولی در مواجهه با افعال حکومتی دینی بودن آنهاست و تنها در مواردی که فعل معصوم وابسته به قضیه‌ای خارجی باشد قابل استناد نخواهد بود. (ضیائی‌فر، ۱۳۹۴ش، ش ۷۹، ص ۹۳-۱۱۲)

۲-۵. افعال قضایی

افعال قضایی، به افعالی گفته می‌شود که پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) برای حل و فصل دعاوی و خصومت‌ها در منصب قضاوت انجام داده‌اند. (جزایری، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۶۰۳) نمونه این افعال، قضاوت‌هایی است که امیرالمؤمنین(ع) در مقام داوری انجام داده‌اند. (شوشتری، ۱۳۷۹ش) درباره حکم این دست از افعال معصوم نیز اختلاف نظر است و برخی با استناد به این که حکم قضائی انشاء و جعل قاضی بوده و قابل تعمیم بر موضوعات دیگر نیست، آن را شرعی ندانسته‌اند (حلی، حسین، ۱۴۳۲ق، ج ۶، ص ۳۵۲-۳۵۸)

برخی دیگر، با تقسیم دانستن منصب قضاء با دو منصب حکومت و نبوت/ امامت، بر این باورند که آنچه از پیامبر(ص) و امام(ع) از این شأن صادر می‌گردد - به دلیل آن که خارج از

مقام تبلیغ / تشریح بوده است - امری دینی محسوب نگردیده و قابل استناد نمی‌باشد. (سبحانی، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۵۲۷) این در حالی است که بر پایه مبنای پذیرفته شده، افعال قضایی معصوم همگی به دستور و اذن الهی صادر شده و جز در قضایای خارجی، شرعی و لازم‌الاتباع می‌باشد؛ (ربانی، ۱۳۸۱ش، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۱۶۷-۲۴۶) چنان‌که بعضی از آیات قرآن نیز بر این معنا اشاره دارد و بر تشریحی بودن آن دلالت می‌کند. (نساء، ۶۵ و احزاب، ۳۶)

۳. دینی بودن بعضی افعال معصوم

درباره دینی بودن افعال معصوم دو دیدگاه متمایز وجود دارد؛ بر اساس یک دیدگاه تنها بخشی از افعال معصوم دینی بوده و بخش دیگر غیردینی می‌باشد و بر پایه دیدگاه دوم، تمامی افعال معصوم دینی قلمداد می‌شود. قائلین به دیدگاه نخست، شأن غیردینی پیامبر(ص) را حداقل برگرفته از دو امر می‌دانند:

الف) داشتن شأن شخصی؛ بدین معنا که حضرت جدای از شأن نبوت، دارای شأن شخصی بوده و برخی از افعال ایشان - که شاخص‌ترین آنها افعال طبیعی است - این شأن صادر شده است. (مرتضوی لنگرودی، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۲۵۲؛ صابری همدانی، ۱۳۸۳ش، ص ۲۵؛ سبحانی، ۱۳۶۷ش، ج ۱، ص ۴۵)

ب) جواز اجتهاد؛ بدین معنا که پیامبر(ص) از طریق به‌کارگیری نظر و برداشت شخصی خویش حکمی را بیان داشته است، مانند افعالی که در ارتباط با جلب مصالح و دفع ضررهای دنیوی از آنها یاد می‌شود. (حاج، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۳۹۹؛ اسنوی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۹۶) لکن بر پایه دیدگاه عالمان امامیه، باور به اجتهاد پیامبر(ص) نادرست و فاقد اعتبار است و پیامبر(ص) در هیچ موردی از راه رأی شخصی خویش اجتهاد نکرده و بدون اذن خداوند حکمی را بیان نداشته است. (یوسفی مقدم، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۱۳۴؛ جناتی، ۱۳۸۶ش، ش ۵۴، ص ۳-۳۵)

۳-۱. دلیل قرآنی

یکی از دلایلی که قائلین این نظریه ارائه کرده‌اند، استناد به برخی از آیاتی است که از شأن بشری پیامبر(ص) خبر داده است. چنان‌که خداوند متعال فرموده است: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَاسْتَعِينُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاسْتَعِينُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاسْتَعِينُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَاسْتَعِينُوا بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» (فصلت: ۶) طرفداران این دیدگاه معتقدند که در آیات متعددی از قرآن کریم بشر بودن پیامبر(ص) به نحو صریح و غیرصریح مورد اشاره قرار گرفته است و این، دینی بودن تمام افعال پیامبر(ص) را نفی می‌کند. (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۱)

لکن در رد استدلال فوق می‌توان گفت که اگرچه پیامبر(ص) بشر بوده است اما بشر بودن ایشان موجب الغاء نبوت در برخی از اوقات نشده است و درواقع ایشان در عین بشر بودن رسول نیز بوده است(شعود، بی‌تا، ص ۱۸۱) به بیان دیگر، بشر بودن پیامبر(ص) با بهره‌مندی ایشان از وحی منافات نداشته، و همانندی با دیگر انسان‌ها مانع عنایت و تفضل خاص خداوند نگردیده است.(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۱) علاوه بر آن که، شاید فلسفه تکرار و تأکید که در قرآن نسبت به بشر بودن پیامبر(ص) صورت گرفته است، نفی پندار مردمی باشد که خیال می‌کردند ادعای نبوت با ادعای الوهیت و قدرت غیبی برابر است و بر اساس همین پندار، از انبیاء توقع‌هایی داشته‌اند که جز خدا کسی علم و قدرت بر آنها را نداشته است.(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۴۰۵)

۲-۳. دلیل روایی

دلیل دیگری که از جانب قائلان به دیدگاه موردبحث مورد استناد قرار گرفته است، روایاتی است که مهم‌ترین آنها روایت موسوم به «تایبر نخل» است. این روایت که در بسیاری از کتب روایی اهل سنت مانند صحیح مسلم، مسند احمد و سنن ابن‌ماجه و ... نقل شده است، گویای آن است که پیامبر(ص) به قومی که در مدینه مشغول عمل کرده‌افشانی درختان نخل بودند، پیشنهاد عدم استفاده از این‌روش را داده و آنان نیز مطابق نظر حضرت رفتار کردند، اما پس از مدتی با محصولی نامرغوب مواجه شدند.

پیامبر(ص) با مطلع شدن از این حادثه مردم را در امور دنیوی خود، داناتر دانسته و آنان را در تصمیم‌گیری در این امور مختار قرار دادند. چنان‌که عایشه روایت کرده است: «إِنَّ النَّبِيَّ (ص) سَمِعَ أَصْوَاتًا فَقَالَ: مَا هَذِهِ الْأَصْوَاتُ؟! قَالُوا: النَّخْلُ يُؤْتِرُونَهُ، فَقَالَ: لَوْ لَمْ يَفْعَلُوا لَصَلَحَ فُلْمُ يُؤْتِرُوا عَامِنْدَ، فَصَارَ شَيْبًا، فَذَكَرُوا ذَلِكَ لِلنَّبِيِّ (ص) فَقَالَ: إِذَا كَانَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكُمْ فَشَأْنَكُمْ بِهِ، وَإِذَا كَانَ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِكُمْ فَلِئِيَّ». (ابن‌حجاج، بی‌تا، ج ۷، ص ۹۵)

از نظر موافقان دیدگاه مذکور، این حدیث از دو جهت قابل استدلال است: اول آن که پیشنهاد پیامبر(ص) - درباره عدم استفاده از روش بارور نمودن نخل به طریق مرسوم - با نتیجه‌ای نامناسب مواجه گردید و درواقع ایشان در امور دنیوی اشتباه نمودند. دوم این که اعتراف پیامبر(ص) به برتری آگاهی مردم نسبت به شئون دنیوی خود، موجب سلب اعتبار اقوال و افعال دنیوی ایشان گردید و متابعت از حضرت در این‌گونه امور را لازم نمی‌گرداند.(اردستانی، ۱۳۹۳ش، ش ۹۷، ص ۷۵-۹۵)

این در حالی است که روایت یادشده از جهات مختلف مورد خدشه قرار گرفته است و عالمان شیعه با استناد به مخالفت این روایت با مبانی کلامی شیعه در عصمت مطلق نبوی و نیز

مخالفت با معیارهایی چون قرآن، سنت و عقل آن را مردود دانسته‌اند (عسکری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸ش، ش ۵۲، ص ۹۹-۱۱۲)؛ اگرچه عموم عالمان اهل سنت با گردن نهادن به صحت سندی و متنی این روایت، قلمرو عصمت پیامبر(ص) را محدود دانسته و بر خطاپذیر بودن آموزه‌های نبوی در حوزه غیر الهی پای فشرده‌اند. (نصیری، ۱۳۹۱ش، ش ۳۰، ص ۹-۲۰)

۴. دینی بودن همه افعال معصوم

قائلان به این قول، تقسیم‌بندی افعال معصوم به دینی و غیردینی را نادرست دانسته و با استناد به ادله قرآنی و روایی، قائل به شمول گستره شریعت اسلام در تمام افعال معصوم شده‌اند. (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۲) چنان‌که بعضی با ضمیمه کردن دو مقدمه بنیادین، چنین نتیجه گرفته‌اند که تمام افعال معصوم دارای حکم بوده و در زمره افعال دینی قرار می‌گیرد: اول آن که در شریعت اسلام همه شئون حیات انسان حکم داشته و هیچ فعلی نیست مگر آن حکمی برای آن جعل شده است. و دوم آن که "اباحه" نیز جزو احکام خمسسه و شرعی محسوب شده و اتصاف یک فعل به آن موجب دینی شدن آن می‌گردد. (سید مرتضی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۱۰۳؛ حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۲)

۴-۱. دلیل قرآنی

شماری از مفسران فریقین با استناد به اطلاق آیه «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب: ۶) - که در آن از اولی بودن پیامبر(ص) بر مؤمنان سخن به میان آمده است - اولویت پیامبر(ص) را شامل امور دنیوی و دینی مردم دانسته‌اند که لازمه آن، پذیرش اختیار و نقش راهبری پیامبر(ص) در امر معاش و معاش مردم و به یک معنا همه امور آنان است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۲۳)

۴-۲. دلیل روایی

از سوی دیگر، برخی با استناد به احادیثی که در آن برای افعال طبیعی معصوم، آثار و فواید معنوی ذکر شده است، چنین استنباط کرده‌اند که این‌گونه افعال معصوم نیز دینی محسوب شده و از حیطة احکام اسلام خارج نیست؛ (اردستانی، ۱۳۹۳ش، ش ۹۷، ص ۷۵-۹۵) چنان‌که پیامبر(ص) پس از خوردن گلابی، خوردن آن را به اصحاب خود نیز توصیه کردند و آن را مایه جلا یافتن و از بین رفتن اندوه قلب شمردن: «أَهْدِي لِلَّتِي صَافَتْ قَلْبَ فَصْرَجٍ فَصْرَجٌ يَصْرَبُ يَدِيهِ عَلَى السَّفْرَجَلِ فَفَطَعَهَا وَ كَانَ يُجِبُّهَا حُبًّا شَدِيدًا فَكَلَّمَهَا وَ أَطْعَمَ مَنْ كَانَ بِحَضْرَتِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ ثُمَّ قَالَ عَلَيْكُمْ بِالسَّفْرَجَلِ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ وَ يَذْهَبُ بِطَلْحَاءِ الصُّدْرِ» (برقی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۵۴۹)

و یا در روایتی دیگر، پس از شستن سرخود با گیاه سدر، به اصحاب خود نیز استفاده از آن را سفارش کردند و آن را شیء مقدس معرفی کردند که موجب دور شدن از وسوسه شیطان در هفتاد روز و عدم معصیت خداوند در آن مدت و در نتیجه دخول در بهشت می‌شود. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يُغْسِلُ رَأْسَهُ بِالتِّدْرِ، وَ يَقُولُ: اغْسِلُوا رُءُوسَكُمْ بِوَرَقِ التِّدْرِ؛ فَإِنَّهُ قَدَّسَهُ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ، وَ كَانَ يَقُولُ: مَنْ غَسَلَ رَأْسَهُ بِالتِّدْرِ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ وَسْوَةَ الشَّيْطَانِ، وَ مَنْ صُرِفَ عَنْهُ وَسْوَةَ الشَّيْطَانِ لَمْ يَغْصُ، وَ مَنْ لَمْ يَغْصِ دَخَلَ الْجَنَّةَ» (عده من العلماء، ۱۳۸۱ش، ص ۲۰۶)

علاوه بر آنکه بر پایه برخی روایات، اهل بیت (ع) به این دست از افعال پیامبر (ص) استناد کرده و بر همان طریق عمل می‌کرده‌اند؛ چنان‌که امام صادق (ع) برای معالجه بیماری، به روش پیامبر (ص) - در پرهیز دادن امام علی (ع) از خوردن خرما - استناد نموده و آن را روش اهل بیت (ع) معرفی می‌کند. «راوی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم شخصی از ما بیمار می‌شود و پزشکان او را به پرهیز سفارش می‌کنند. فرمود ما اهل بیت [در بیماری] جز از خرما پرهیز نمی‌کنیم و خود را با سیب و آب سرد درمان می‌کنیم. پرسیدم چرا از خرما پرهیز می‌کنید؟ فرمود: زیرا رسول خدا (ص) علی (ع) را در بیماریش از خوردن خرما پرهیز داد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۹۱)

۳-۴. تلقی سنت از افعال طبیعی

از طرفی، اگر مدعای مقابل (مبنی بر دینی نبودن افعال طبیعی) را بپذیریم، معاشرت با همسر و کیفیت خواب و خوراک پیامبر (ص) برای کسی رهنمونی نخواهد داشت، درحالی‌که رسول خدا (ص) از ارتباط با همسر و نحوه خواب و خوراک خویش به‌عنوان سنت قابل پیروی یاد کرده است. آنجا که در هشدار به جمعی از صحابه که با هدف دوری جستن از دنیا به گوشه مسجد پناه برده بودند، فرمود: «من روزه می‌گیرم و افطار می‌کنم، [شب را] بیدار می‌مانم و می‌خوابم، از گوشت و چربی می‌خورم و با همسرانم همبستر می‌شوم. پس هر کس از سنت من روی گردان شود از من نیست.» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۵۰)

۴-۴. موافقت برخی اندیشمندان

و بالاخره، دیدگاه شماری از صاحب‌نظران شیعه که موافق و هم‌صدا با این نظریه بوده است، مؤید دیگری است که قول به دینی بودن تمام افعال معصوم را تقویت می‌کند. چنان‌که سید مرتضی لزوم تأسی به تمام افعال پیامبر (ص) را لازم شمرده و گفته است: «همانا دلیل نقلی بر وجوب تأسی به تمامی افعال پیامبر دلالت دارد، مگر افعالی که به ایشان اختصاص دارد.» (سید مرتضی، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ص ۱۰۰) و محمدتقی حکیم نیز تمام افعال صادره از

پیامبر(ص)، غیر از اختصاصات ایشان را دینی خوانده است: «مقید ساختن سنت به آنچه بر وجه تشریح صادر شده است - چنان‌که برخی کرده‌اند - صحیح نیست، زیرا تمام افعالی که از روی اراده از معصوم صادر می‌گردد - غیر از افعال اختصاصی ایشان - تشریح عام محسوب می‌گردد». (حکیم، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۳)

۵. قلمرو استنباط از فعل معصوم

از پی‌آمدهای پذیرش دینی بودن همه افعال معصوم، توسعه قلمرو بهره‌گیری از سنت فعلی است. چه، گستره قلمرو استنباط از فعل معصوم با دینی بودن آن پیوندی نزدیک دارد و میزان استنباط از این منبع دین شناخت، به گستره کارکرد آن در حوزه‌های دینی بستگی دارد. از این‌رو، اگر بپذیریم که افعال معصوم تنها در شأن تبلیغی و تشریحی معتبر نبوده و در دیگر شئون تعلیمی، تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و... نیز کارایی دارد، قلمرو استنباط از فعل معصوم به یکی دو حوزه خاص فقهی و اخلاقی محدود نگردیده و در دیگر حوزه‌های اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

چراکه زندگانی معصومان شئون مختلفی دارد و عرصه‌های حیات وی گستره وسیعی را در برمی‌گیرد که شئون فردی، خانوادگی، حکومتی، قضایی، نظامی و هادوی از جمله آنهاست. از این‌رو، با پذیرش مبنا یادشده، حوزه‌های کارآمدی فعل معصوم نیز افزایش می‌یابد و امکان توسعه استنباط از فعل معصوم فراهم می‌گردد.

۵-۱. آموزه‌های اعتقادی

یکی از موضوعاتی که با تکیه بر متون فعل شناسانه معصوم می‌توان کشف/ تبیین نمود، آموزه‌های اعتقادی است. البته به جهت ماهیت نظری این دست از آموزه‌های دینی، کمتر می‌توان از متون سیره که ماهیتی عملی و کاربردی دارد استفاده نمود. با این‌همه با تتبع و تأمل در گزاره‌های فعلی، می‌توان متونی را استخراج نمود که دربردارنده آموزه‌های اعتقادی و کلامی است. برای نمونه، مبحث "قضا و قدر" یکی از موضوعات مهم اعتقادی است که در کتب متعددی مطرح شده و ابعاد و زوایای آن همچون: معنای قضا و قدر، ادله عقلی و نقلی آن، تفسیر متون روایی و پاسخ به شبهات مورد بررسی قرار گرفته است. (ابن‌بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۴؛ مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۵۴ و ۷۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۰۰)

اما یکی از مسائل چالش‌برانگیز درباره این موضوع، رابطه قضا و قدر با اختیار انسان است؛ این که آیا باور به قضا و قدر الهی منجر به جبر می‌شود و یا این که اعتقاد به قضا و قدر با اراده و اختیار انسان منافاتی ندارد. (مطهری، ۱۳۵۸ش، ج ۲، ص ۲۹۱) عمده متونی که در این

مسئله مورد استناد متکلمان قرار گرفته، گزاره‌های گفتاری است و کمتر به گزاره‌های فعلی توجه شده است.

این در حالی است که برخی از متون فعل شناسانه حاوی نکته‌های آموزنده‌ای در این باره است، چنان‌که اصبح بن نباته نقل می‌کند: «امیر مؤمنان از کنار دیوار کجی برخاست و به کنار دیوار دیگری رفت. به او گفته شد: ای امیر مؤمنان! آیا از قضای خدا فرار می‌کنی؟ فرمود: از قضای خداوند به قدر خداوند، فرار می‌کنم». (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۶۹) مطابق این روایت، فعل امیرالمؤمنین (ع) حاوی یک پیام مهم اعتقادی است و نشان می‌دهد که بین تقدیر و تدبیر منافاتی وجود ندارد. زیرا هم صدمه دیدن کسی که در زیر دیوار کج می‌نشیند، قضای الهی است و هم مصدوم نشدن کسی که از آن می‌گریزد، تقدیر اوست؛ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۲)

ولی هیچ‌یک قضای حتمی نیست و انسان، موظف است برای حفظ جان خود، از یک قضا بگریزد و به قضایی دیگر پناه ببرد. (ابن حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۲۷۴) به دیگر سخن، از آنجاکه انسان از مقدرات قطعی و غیرقطعی خود آگاهی ندارد، همیشه باید با تلاش و تدبیر در کنار استمداد از خداوند متعال، از مشکلات احتمالی زندگی پیشگیری کند و سرنوشت بهتری را برای خود رقم زند. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶ش، ج ۹، ص ۱۰۹-۱۱۱)

یکی دیگر از مسائل اعتقادی که از پشتوانه متون فعل شناسانه برخوردار است، باور به تبرّی است که در اندیشه شیعی جایگاه بس مهمی دارد. منظور از تبرّی، بیزاری جستن از دشمنان خدا، رسول خدا (ص) و اهل بیتش است که دلایل قرآنی و روایی متعددی بر آن اقامه شده است. (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۱۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۳۲) اما یکی از مسائل مربوط به این موضوع، تشخیص مصادیق دشمنان و معرفی کسانی است که باید از آنان بی‌زاری جست.

در این میان، برخی از گزاره‌های فعل شناسانه معصوم به معرفی دشمنان اهل بیت (ع) پرداخته است که از آن جمله، فعل حضرت زهرا (س) در برابر خلیفه اول و دوم است. چنان‌که بنابر نقل‌های متعدد، هنگامی که بیماری حضرت شدت گرفت، ابوبکر و عمر درخواست ملاقات کردند ولی حضرت فاطمه (س) به خاطر خشمی که از آن دو در دل داشت، درخواست مکرر ایشان را رد کرد و تنها با وساطت امیرالمؤمنین (ع) ملاقات آنان را پذیرفت: (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۸۶؛ سید مرتضی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۱۵)

همچنین گزارش‌های چندی که خبر می‌دهد حضرت سلام آن دو را پاسخ نداد، روی خود را از آنان برگرداند (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۸۶ و ۱۸۷) و به عدم حضور آن دو نفر

در مراسم تدفین و نماز گزاردن بر ایشان وصیت کرد، (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش، ج ۳، ص ۳۶۳) نشان دهنده شدت ناراحتی حضرت زهرا(س) از دو خلیفه است که این فعل ایشان در کنار روایت نبوی که خشم فاطمه(س) را خشم رسول خدا(ص) شمرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۲۵؛ خزاز، ۱۴۰۱ق، ص ۳۷) گویای آن است که خلیفه اول و دوم جزو دشمنان اهل بیت(ع) بوده و بی زاری جستن از آنان واجب می‌باشد.

۲-۵. آموزه‌های اقتصادی

یکی دیگر از آموزه‌هایی که می‌توان بر پایه سیره و فعل معصوم تبیین و تحلیل نمود، اقتصاد (یوسفی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۰) است. چراکه رفع نیازهای اقتصادی - به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر سبک زندگی - نیازمند پیروی از فرهنگ و الگوی مناسبی است که در سایه اثرپذیری از سیره اقتصادی پیامبر (ص) و اهل بیت ع محقق خواهد شد. اما یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصاد که در متون دینی نیز ظهور پررنگی دارد، (محمدی ری شهری، ۱۳۹۰ش) مقوله مصرف (اخوی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۵۱؛ کلانتری، ۱۳۸۸ش، ص ۱۹) است که در ادبیات اقتصادی به سه دسته مخارج مصرفی شخصی، مخارج مشارکت اجتماعی و مخارج پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تقسیم شده است. (حسینی، ۱۳۸۰ش، ج ۷، ص ۶۴-۱۱۶) در این میان، مسئله‌ای که درباره دسته اول از مصارف (یعنی مخارج مصرفی شخصی) (حسینی، ۱۳۸۰ش، ج ۷، ص ۶۴-۱۱۶؛ یوسفی، ۱۳۸۷ش، ص ۲۲۷) مطرح بوده و پی‌جویی محققان را نیز به دنبال داشته است (حسینی، ۱۳۸۰ش، ج ۷، ص ۶۴-۱۱۶؛ دلیری، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۳۸۶-۴۱۶)، چگونگی هزینه‌کرد درآمد و راه‌های مصرف دارایی است؛ این که آیا در مدیریت مخارج، ذخیره‌سازی سرمایه ترجیح دارد و یا مصرف و هزینه‌ی درآمد مطلوب است؟ آیا پس‌انداز و ذخیره‌ی سالانه دارایی - به‌صورت نقدی یا جنسی - رواست و یا مصرف و خرج کردن آن؟

بر پایه برخی از متون نبوی، ذخیره‌سازی و انباشت آذوقه جایز نبوده و ذخیره نمودن خوراک امروز برای فردا ممنوع است. (بزار، ۱۹۸۸م، ج ۹، ص ۲۸۷؛ ترمذی، ۱۹۹۸م، ج ۴، ص ۱۵۹) این در حالی است که گزاره‌های فعل شناسانه از ذخیره کردن آذوقه توسط چهار تن از معصومان خبر داده و پس‌انداز آن را برای یک سال جایز شمرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۶۷)

همچنین بنابر آنچه در مکاتبه علی بن سلیمان با امام هادی(ع) آمده است، امیرالمؤمنین(ع) نیز در زمان حیات خود، به‌اندازه قوتش نگه می‌داشت و بقیه را صدقه می‌داد (کلینی، ۱۴۰۷ق،

ج ۵، ص ۸۹؛ ابن بابویه، ۱۳۱۴ق، ج ۴، ص ۲۳۸). در واقع، در شیوه رفتاری امیرالمؤمنین (ع) راکد گذاشتن پس انداز و عدم استفاده از آن روا نبوده است اما مخارج مصرفی سالانه از این قاعده استثنا شده و انباشت درآمد به صورت نقدی و یا جنسی جایز گردیده بود. (حسینی، ۱۳۸۰ش، ج ۷، ص ۶۴-۱۱۶)

از این رو باید گفت که در تعارض این دست از روایات با روایات نخست (احادیث نبوی)، دسته دوم هم به جهت سند و هم به جهت دلالت ترجیح دارد؛ در واقع، شیوه نخست، ویژه پیامبر (ص) و یا اوضاع سخت اقتصادی صدر اسلام بوده است و روایات آن ناظر به حکم همگانی و همیشگی نیست. (مسعودی، ۱۳۹۴ش، ج ۶، ص ۱۲۱-۱۲۳) مؤید این معنا، روایتی است که از شرایط دشوار اقتصادی زمان پیامبر (ص) خبر داده و نشان می‌دهد که اندوختن مال همیشه ناروا نیست و حکم آن به وضعیت اجتماعی و اقتصادی مسلمانان وابسته است. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵۲)

بنابراین، متون فعل شناسانه معصوم می‌تواند نسبت به آموزه‌های اقتصادی نیز نقش تبیینی ایفا کند و در صورت همراهی با تحلیل و تبیین، نسبت به مسائل اقتصاد جامعه نیز پاسخگو باشد.

۳-۵. آموزه‌های نظامی

از جمله موضوعاتی که در متون فعل شناسانه معصومان به ویژه پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) ظهور برجسته‌ای دارد، موضوع مبارزه و جهاد است که در بردارنده آموزه‌های نظامی، انتظامی و امنیتی است. چنان‌که بهره‌گیری از مشورت یاران، رعایت ارزش‌های اخلاقی، اهمیت دادن به اطلاعات نظامی، جنگ روانی و سهمیم کردن زنان در میدان نبرد، از جمله عناوینی است که در سیره نظامی پیامبر (ص) گزارش شده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴ش، ج ۷، ص ۱۴۳-۱۴۷)

اما یکی از مسائلی که در حوزه اخلاق نظامی مطرح بوده، نیازمند ارائه تبیینی دینی است، شبیخون (حمله شبانه) است. چراکه میدان نبرد و اقدامات متداول آن چنین اقتضا دارد که برای دستیابی به اهداف نظامی و کسب موقعیت جدید، از تکنیک غافلگیری استفاده شده، شبانه به مواضع دشمن یورش برده شود. چنان‌که در دوره معاصر و در زمان هشت سال دفاع مقدس نیز اغلب عملیات‌های نظامی شب هنگام صورت گرفته است. باین‌همه، اصول اخلاقی و انسانی جنگ چنین می‌طلبد که تنها در موقعیت برابر و عادلانه مبارزه شود و از اقدامات

ناجوانمردانه خودداری شود. حال پرسش اصلی این است که شبیخون از منظر اسلام چه حکمی دارد و سنت و سیره معصومان در این باره چه می‌گویند؟

گزارش‌هایی که درباره سیره نظامی پیامبر(ص) نقل شده است، چنین نشان می‌دهد که رسول‌خدا(ص) از حمله شبانه خودداری می‌ورزید و به دشمن شبیخون نمی‌زد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۸؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۷۴) ایشان حتی زمانی که شب هنگام به محل استقرار دشمن می‌رسید، تا صبح منتظر می‌ماند و آنگاه به دشمن حمله می‌کرد. (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۶۶۷؛ ابن‌حبان، ۱۴۰۸ق، ج ۵۱، ص ۱۱) این سیره پیامبر(ص) پس از ایشان، از سوی امیرالمؤمنین(ع) نیز رعایت می‌شد و امام علی(ع) تنها به هنگام روز حمله می‌کرد. (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹۶) لکن برخی گزارش‌ها از شبیخون زدن مسلمانان به مشرکان خیر می‌دهد و چنین می‌نماید که حمله شبانه امری جایز و روا بوده است. (ابن‌حجاج، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۶۵؛ ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲۶، ص ۳۵۵)

به همین خاطر، فقهای شیعه روایات دسته نخست را دال بر حرمت ندانسته و تنها حکم به کراهت شبیخون داده‌اند و درجایی که پیروزی در جنگ وابسته به شبیخون باشد، آن را مجاز دانسته‌اند. (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷؛ حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۸۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۸۲) اما تحلیل دقیق روایات این باب، چنین به دست می‌دهد که متون دال بر جواز شبیخون معتبر نبوده و به جهت سند و دلالت ضعیف می‌باشد. زیرا اولاً تمام روایاتی که حکایت از جواز شبیخون دارد تنها در منابع اهل سنت نقل شده است و با روایات منقول در منابع شیعه منافات دارد؛ و ثانیاً همه آنها حکایت از اقدام مسلمانانی دارد که بدون حضور پیامبر(ص) و قبل از اجازه ایشان دست به شبیخون زده‌اند. (ابو داود سجستانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۳)

علاوه بر آن که برخی از متون مورد استناد ارتباطی به موضوع شبیخون نداشته و بیشتر مربوط به یکی دیگر از آداب اخلاقی جنگ (پرهیز از کشتار زنان و کودکان) بوده است. (ابن‌حنبل، ۱۴۲۱ق، ج ۲۶، ص ۳۵۷) از این رو به نظر می‌رسد که برای بیان حکم این فعل باید بین حوزه فقه و اخلاق تفاوت قائل شویم و چنین تفصیل دهیم که شبیخون نظامی، عملی غیراخلاقی است که جز در صورت ضرورت/ اضطرار جایز نمی‌باشد. بدین ترتیب، مشخص گردید که سیره و فعل معصوم در حوزه مسائل امنیتی نیز کاربرد داشته و حاوی آموزه‌های کارآمد نظامی است.

۴-۵. آموزه‌های تربیتی

سیره و فعل معصوم، یکی از منابع اصلی و کارآمد دریافت آموزه‌های تربیتی است. چراکه اهل بیت (ع) به عنوان مدل عینی تربیت دینی و نمونه عملی و تجسم یافته مکتب تربیتی اسلام، بهترین شاخص برای فعل و منش انسان بوده و پیروی از آنها مطمئن‌ترین روش برای نیل به اهداف و کمالات انسانی - الهی به شمار می‌آید. یکی از حوزه‌های شایسته بررسی در سیره تربیتی معصومان، روش اهل بیت (ع) در تربیت فرزند است که حاوی نکته‌ها و آموزه‌های ناب و لطیف است.

برای نمونه، نقش بازی در تربیت فرزند و تأثیر آن در انتقال مفاهیم ارزشی، یکی از مسائل جدید و امروزی تربیت کودک است که در مطالعات علوم تربیتی مورد توجه محققان قرار گرفته است (اعرافی، مبلغ، ۱۳۹۴ش، ش ۴، ص ۸۳-۱۰۹) در این میان، سیره فعلی معصوم از جمله منابعی است که می‌تواند نسبت به ابهامات و پرسش‌های مربوطه پاسخگو باشد و به تبیین عملی دیدگاه اسلام در این باره بپردازد. بررسی متون فعل شناسانه معصومان به‌ویژه پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) چنین به دست می‌دهد که ایشان در وهله اول، بازی را یک نیاز طبیعی کودک می‌دانستند و در وهله دوم، آن را فرصتی برای القای آموزه‌های تربیتی به شمار می‌آوردند؛ چنان‌که طولانی کردن سجده نماز جماعت به خاطر بازی کودک و دعوت فرزندان به گرفتن کُشتی، نشان از اهتمام و توجه معصوم به این نیاز طبیعی دارد و مشارکت در بازی کودکان و اقدام به بازی کودکان، از نمونه‌های دربردارنده آموزه‌های تربیتی است.

برای مثال، مطابق روایتی که محدثان فریقین نقل کرده‌اند، امام حسن (ع) یا امام حسین (ع) در سن کودکی بر دوش پیامبر (ص) که مشغول نماز بود، سوار شدند و آن حضرت به قدری سجده را طولانی نمودند که فرزندش خود پایین بیاید. (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۵۱) این فعل پیامبر (ص) نشان می‌دهد که آن حضرت برای بازی و رفتار خوشایند کودکان اهمیت قائل بوده است. زیرا جست و خیزهای کودکان یکی از سرگرمی‌هایی است که کودکان به اقتضای طبیعت خود به آن می‌پردازند و پیامبر (ص) با طولانی کردن سجده نماز جماعت، به دیگران آموخت که حتی به هنگام نماز نیز نباید مانع بازی کودک گردید و به این نیاز طبیعی وی احترام گذاشت. همچنین طبق روایتی که در آن، پیامبر (ص) حسین ع را دعوت می‌کند تا با هم کُشتی بگیرند و هنگام انجام کُشتی نیز به تشویق آنها می‌پردازد، (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۴۴۶)

نمونه دیگری است که حکایت از اهمیت حضرت به بازی کودکان دارد. اما نمونه‌ای که نشان دهنده استفاده تربیتی معصوم از بازی کودکان است، فعل پیامبر (ص) در همبازی شدن با

کودکان است. مطابق برخی گزارش‌ها، رسول‌خدا(ص) برای اقامه نماز عازم مسجد بود. در راه مسجد با کودکانی برخورد کرد که به بازی مشغول بودند. کودکان که پیامبر(ص) را دیدند، به سوی او دویدند و برگرد او حلقه زدند و هر یک می‌گفتند: شتر من باش! (تا برداشت سوار شویم). کودکان که این‌گونه فعل پیامبر(ص) با حسنین را دیده بودند انتظار داشتند که پیامبر(ص) به آنها پاسخ مثبت دهد. چنین هم شد و پیامبر(ص) درخواست آنها را پذیرفت.

اصحاب که برای اقامه نماز در مسجد منتظر پیامبر(ص) بودند، بلال را به دنبال ایشان فرستادند. وقتی که بلال در راه با این جریان مواجه شد، زبان به اعتراض گشود. پیامبر(ص) فرمود: «برای من تنگ شدن وقت نماز بهتر از تنگ شدن دل این کودکان است. به منزل من برو و اگر چیزی هست برای کودکان بیاور». بلال به منزل حضرت رفت و همه‌جا را جستجو کرد و هشت دانه گردو یافت و آنها را نزد پیامبر(ص) آورد. پیامبر(ص) گردوها را در دست گرفت و خطاب به کودکان فرمود: «آیا شتر خود را به این گردوها می‌فروشید؟» کودکان به این معامله رضایت دادند و با خوشحالی پیامبر(ص) را رها کردند.

پیامبر(ص) نیز عازم مسجد شد و فرمود: «خدا رحمت کند برادرم یوسف را که او را به چند درهم فروختند و مرا به هشت گردو». (عوفی، ۱۳۷۱ق، ص ۳۰)

در صورت پذیرش این حکایت، نکته‌ها و آموزه‌های تربیتی متعددی به دست می‌آید که برخی از آنها از قرار ذیل است: یک. احترام و اهتمام به خواسته کودکان دو. تقدم برآوردن حاجت مؤمن (و لو کودک) بر نماز اول وقت سه. کنار گذاشتن شأن و جایگاه رسمی در مواجهه با کودکان (تصبی) چهار. بازداشتن کودک از عمل موردعلاقه‌اش بامحبت و رضایت و... علاوه بر این، پیامبر(ص) در خلال این جریان به اصحاب خود نیز درسی تربیتی آموخت و آنها را نسبت به قدرشناسی از وجود مبارکش آگاه کرد. درواقع حضرت با این تعامل به یاران خود تذکر داد که مبادا همچون کودکان، وی را به متاع اندک و بی‌ارزش دنیا وا نهند و به خاطر خواسته‌های مادی از پیروی و اطاعت از ایشان سرباز زنند. همچنین روایتی که از همبازی شدن امیرالمؤمنین(ع) با یتیمان زن کوفی خبر می‌دهد، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۵۲) نمونه دیگری از اهتمام معصوم به بازی کودکان و نشان دهنده توجه به یتیم و لزوم دلجویی و محبت به وی است.

نتیجه گیری

بر اساس پژوهش حاضر مشخص گردید که:

- ۱) فعل معصوم به عنوان یکی از اجزای سنت، نقش مهمی در استنباط آموزه های دینی دارد. این نقش به دلیل عدم شناخت ظرفیت های فعل معصومان و نیز عدم تنقیح مبانی و روش های بهره گیری از آن، مغفول مانده و کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
- ۲) توسعه استنباط از افعال معصوم مبتنی بر پذیرش مبانی و پیش فرض هایی است که دینی بودن همه افعال معصوم از جمله مهم ترین آنهاست. بر پایه این مبنا، تقسیم بندی افعال معصوم به دینی و غیردینی نادرست تلقی شده، گستره شریعت اسلام تمام افعال معصوم را در برمی گیرد.
- ۳) پذیرش مبانی یادشده موجب می گردد تا قلمرو استنباط از فعل معصوم از حوزه های فقه و اخلاق عبور کرده و به حوزه های اعتقادی، اقتصادی، نظامی و تربیتی نیز توسعه یابد.

کتابنامه

- ۱) قرآن کریم.
- ۲) ابن ابی جمهور، محمد (۱۴۰۵ق)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: دار سیدالشهدا.
- ۳) ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الاخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۵) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، *کتاب من لایحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۶) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *إعتقادات الإمامیه*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- ۷) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- ۸) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، *علل الشرایع*، قم: داوری.
- ۹) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ش)، *التوحید*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ۱۰) ابن حبان، محمد (۱۴۰۸ق)، *الصحيح*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۱۱) ابن حجاج، مسلم (بی تا)، *المسند الصحيح*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۲) ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۲۱ق)، *المسند*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- ۱۳) ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ش)، *مناقب آل ابی طالب*، قم: علامه.

- (۱۴) ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- (۱۵) ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی‌تا)، *سنن ابی داود*، بیروت، المکتبه العصریه.
- (۱۶) اخوی، احمد (۱۳۸۰ش)، *اقتصاد کلان*، تهران: نشر بازرگانی.
- (۱۷) اردستانی، فاطمه و عابدین مومنی (۱۳۹۳ش)، «سنت فعلی پیامبر و جایگاه آن در استنباط حکم از دیدگاه فریقین»، *مطالعات اسلامی فقه و اصول*، ش ۹۷، صص ۷۵-۹۵.
- (۱۸) اسنوی، جمال الدین (۱۴۲۰ق)، *نهایه السؤل فی شرح منهاج الوصول*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- (۱۹) اعرافی، علیرضا و محمدکاظم مبلغ (۱۳۹۴ش)، «حکم فقهی استفاده از بازی در تربیت»، *مطالعات فقه تربیتی*، ش ۴، صص ۸۳-۱۰۹.
- (۲۰) برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- (۲۱) بزار، احمد بن عمرو (۱۹۸۸م)، *مسند البزار*، مدینه منوره: مکتبه العلوم و الحكم.
- (۲۲) ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م)، *سنن الترمذی*، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- (۲۳) جناتی، محمد ابراهیم (۱۳۸۶ش)، «پیامبر و اجتهاد»، *کاوشی نو در فقه اسلامی*، ش ۵۴، صص ۳-۳۵.
- (۲۴) جوادی آملی، عبد الله (۱۳۹۲ش)، *دین شناسی*، قم: اسراء.
- (۲۵) حاج، ابن امیر (۱۴۱۸ق)، *التقریر و التحریر فی علم الاصول*، بیروت: دار الفکر.
- (۲۶) حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۰ش)، *تهذیب الوصول الی علم الاصول*، لندن: مؤسسه الامام علی (ع).
- (۲۷) حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۵ق)، *نهایه الوصول الی علم الاصول*، قم: مؤسسه الامام الصادق.
- (۲۸) حسینی، سید رضا (۱۳۸۰ش)، «سیره اقتصادی امام علی ع»، *دانشنامه امام علی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۲۹) حسینی شیرازی، سید صادق (۱۴۲۷ق)، *بیان الاصول*، قم، دار الانصار.
- (۳۰) حسینیان، حامد (۱۳۹۳)، «سیره پویا؛ چالش های فراروی عمل به سیره و راه برون رفت از آن»، *مجموعه مقالات سبک زندگی اهل بیت (ع)*، جلد ۱، صص ۹۴-۱۱۶.
- (۳۱) حکیم، سید محمد تقی (۱۴۱۸ق)، *الاصول العامه فی الفقه المقارن*، قم: مجمع جهانی اهل بیت.
- (۳۲) حلی، حسین (۱۴۳۲ق)، *اصول الفقه*، قم: مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
- (۳۳) خزاز، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایه الأثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر*، قم: نشر بیدار.

- ۳۴) دلیری، کاظم (۱۳۹۲ش)، «فواعدی از سبک بخشندگی اهل بیت»، کلیات و سبک زندگی فردی و عبادی اهل بیت، ج ۲، قم: مجمع جهانی اهل بیت.
- ۳۵) رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۸ش)، «بررسی حدیث تابیر النخل» علوم حدیث، ش ۵۲، صص ۹۹-۱۱۲.
- ۳۶) زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
- ۳۷) سبحانی، جعفر (۱۳۶۷ش)، تهذیب الاصول (تقریرات بحث امام خمینی)، قم: دار الفکر.
- ۳۸) سبزواری، هادی (۱۴۱۷ق)، شرح المنظومه، تصحیح و تعلیق: حسن حسن زاده آملی، تهران: نشر ناب.
- ۳۹) سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۰ق)، الشافی فی الإمامه، تهران: مؤسسه الصادق.
- ۴۰) سید مرتضی، علی بن حسین (۱۳۷۶ش)، الذریعه إلى أصول الشریعه، تهران: دانشگاه تهران.
- ۴۱) شحود، علی بن نایف (بی تا)، «السنة»، مفاهیم الإسلامیه، ش ۱۸۱.
- ۴۲) شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۶ق)، تمهید القواعد، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۳) صابری همدانی، احمد (۱۳۸۳ش)، الهدایه الی من له الولایه (تقریرات آیت الله گلپایگانی)، قم: دار القرآن الکریم.
- ۴۴) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۴۵) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۸۷ش)، بررسی های اسلامی. قم: بوستان کتاب.
- ۴۶) طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۴۷) طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، العده فی أصول الفقه. قم: محمدتقی علاقیندیان.
- ۴۸) طوسی، نصیر الدین (۱۴۰۷ق)، تجرید الاعتقاد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۴۹) عده من العلماء (۱۳۸۱ش)، الاصول الستة عشر، قم: دار الحدیث.
- ۵۰) عسکری، سید مرتضی (۱۴۱۲ق)، معالم المدرستین، تهران: مؤسسه البعثه.
- ۵۱) عوفی، سدید الدین محمد (۱۳۷۱ش)، جوامع الحکایات و لوازم الروایات، تهران: دانشگاه تهران.
- ۵۲) غزالی، محمد (۱۴۱۳)، المستصطفی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ۵۳) فرات کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- ۵۴) کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۸ش)، اسلام و الگوی مصرف، قم: بوستان کتاب.
- ۵۵) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ۵۶) مالک بن انس (۱۴۰۶ق)، الموطأ، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- ۵۷) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۵۸) محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۲۳ق)، *معارج الأصول*، لندن: مؤسسه امام علی (ع).
- ۵۹) محمدی ری شهری، محمد و دیگران (۱۳۹۴ش)، *سیره پیامبر خاتم (ص)*، مترجم عبدالهادی مسعودی، قم: دارالحديث.
- ۶۰) محمدی ری شهری، محمد و رضا برنجکار (۱۳۸۶ش)، *دانشنامه عقاید اسلامی*، قم: دار الحديث.
- ۶۱) محمدی ری شهری، محمد و رضا حسینی (۱۳۹۰ش)، *توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث*، قم: دار الحديث.
- ۶۲) مرتضوی لنگرودی، محمد حسن (۱۳۷۶ش)، *جواهر الأصول (تقریرات بحث امام خمینی)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۶۳) مسعودی، عبد الهادی (۱۳۹۴ش)، «تبیین احادیث ذخیره کردن آذوقه»، *سیره پیامبر خاتم*، قم: دارالحديث.
- ۶۴) مطهری، مرتضی (۱۳۵۸ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
- ۶۵) مغنیه، محمد جواد (۱۹۷۵). *علم أصول الفقه فی ثوبه الجدید*، بیروت: دار العلم للملایین.
- ۶۶) مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *تصحیح الاعتقادات الامامیه*، قم: کنگره شیخ مفید.
- ۶۷) مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق)، *انوار الاصول*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ۶۸) موسوی قزوینی، علی (۱۴۲۷)، *تعلیقہ علی معالم الأصول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۶۹) نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۷۰) نراقی، محمد مهدی (۱۳۸۸ش)، *أنیس المجتهدین فی علم الأصول*، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۷۱) نصیری، علی (۱۳۹۱ش)، «نقد شبهه راهیافت خطا در آموزه‌های نبوی با تاکید بر روایت تلقیح خرما»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۳۰، صص ۹-۲۰.
- ۷۲) یوسفی مقدم، محمد صادق (۱۳۸۲ش)، «اجتهاد پیامبر»، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۷۳) یوسفی، احمد علی (۱۳۸۷ش)، *نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبری)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.